

دیدبان سیاست‌گذاری

فشار ایران برای «تغییر رژیم» در عربستان سعودی و واشنگتن

مهدی خلجی

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹

رهبران ایران که از موفقیت خود در حمله به منافع کشورهای خلیج و ایالات متحده با مصونیت نسبی جسارت پیدا کرده‌اند، اکنون قصد دارند خاندان سلطنتی عربستان سعودی را بی‌اعتبار سازند و باعث شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ شوند.

حملات اخیر به **تاسیسات اصلی نفت سعودی، آرامکو**، حاکی از آن است که حاکمان ایران اهداف سیاست خارجی بلندپروازانه‌تری نسبت به آنچه در گذشته تصور می‌رفت، اتخاذ کرده‌اند. فراتر از بی‌ثبات‌سازی بازار جهانی انرژی و کشتی‌گرفتن قدرتمندانه با اروپا و ایالات متحده برای خاتمه دادن به سیاست «فشار حداکثری» رئیس‌جمهور ترامپ، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی عزم خود را جزم کرده تا در دو کشور از بزرگترین دشمنان خود، یعنی آمریکا و عربستان سعودی، موجب تغییر سیاسی بنیادی نیز بشود.

بزرگترین هراس رهبران ایران ایده تغییر رژیم است، و تصور این خطر، اقدامات آنها را از زمان تاسیس جمهوری اسلامی شکل داده است. هر زمان که آنها تصمیماتی اساسی در مورد ورود به مذاکره یا اتخاذ رویکرد تهاجمی از حیث نظامی می‌گیرند، این کار را بیشتر از ترس تغییر رژیم انجام می‌دهند.

به عنوان مثال، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، اجازه مذاکرات هسته‌ای را زمانی صادر کرد که معتقد بود حفظ قدرت رژیم در اثر تحریم‌های اقتصادی سنگین و تحولات داخلی مربوط به آن ممکن است در معرض خطر باشد. امروز، اما او به خط مشی قدیمی خود بازگشته و از صحبت با دولت آمریکا که به نظرش قصد برانداختن او را دارد، امتناع می‌کند. همانطور که خود در سخنرانی ۱۷ سپتامبرش اظهار داشت: «هدف آمریکایی‌ها از مذاکره نه یافتن راه‌حل عادلانه، بلکه تحمیل خواسته‌های گستاخانه است... یک مقام آمریکایی گفته بود باید با ایران سر میز مذاکره بنشینیم و ما فلان چیزها را بگوییم و ایران قبول کند... در طول ۴۰ سال گذشته، جمهوری اسلامی در مواجهه با انواع ترفندهای فرار داشته است و دشمنان نتوانسته‌اند ایران عزیز را مغلوب کنند. سیاست‌های آنان یکی پس از دیگری مغلوب سیاست‌های جمهوری اسلامی شده است و بعد از این نیز جمهوری اسلامی به حول و قوه الهی آنها را مغلوب خواهد کرد و پیروز و سربلند از میدان خارج خواهد شد.»

تهدید پادشاهی سعودی

رژیم ایران از زمان روی کار آمدن در سال ۱۹۷۹ هرگز نتوانسته است روابط خود را با دولت عربستان سعودی به طور کامل عادی کند. بخشی از این امر باز می‌گردد به همپیمانی پادشاهی سعودی با ایالات متحده و جایگاه آن به عنوان مهم‌ترین صادرکننده نفت در جهان. تحولات اخیر فقط موجب تشدید صندیت دوجانبه آنها شده است؛ از نزدیکی تدریجی ریاض با اسرائیل گرفته تا درگیری خونین میان ائتلاف سعودی و نیروهای مرتبط با ایران در یمن، و نیز حمله سال ۲۰۱۶ به بناهای دیپلماتیک سعودی در ایران هر گونه امید به تنش‌زدایی در آینده نزدیک را از میان برده است.

رهبران دو کشور علاوه بر آنکه در سوی متضاد مسائل مختلف منطقه و درگیری‌های آن ایستاده‌اند، طی چند سال گذشته به طور فزاینده اظهارات خصمانه روزافزونی بر ضد یکدیگر داشته‌اند. در تهران، مقامات بارها به خاندان حاکم عربستان حمله کرده‌اند و اظهار امیدواری به پادشاهی سعودی سقوط کند. همانقدر که عبارت «تغییر رژیم» در مورد ایران آنها را وحشت‌زده می‌کند، وقتی متوجه به خاندان سعود باشد برای آنها موسیقی جان‌نواز است.

به عنوان مثال، **سخنرانی سالانه خامنه‌ای در مشهد در تاریخ اول فروردین**، شامل حمله‌ای طولانی و شدید‌الحن علیه ریاض بود: «کشوری در این منطقه و شاید در همه جای دنیا، به بدی دولت سعودی من سراغ ندارم؛ دولت سعودی هم مستبد است، هم ظالم است، هم وابسته است، هم فاسد است... [دولت‌های غربی] برای این دولت این‌جوری، امکانات هسته‌ای فراهم می‌کنند؛ اعلان کردند که نیروگاه هسته‌ای برایش می‌سازند، اعلان کردند که مراکز تولید موشک برایش درست می‌کنند، چون وابسته به آنها است... اشکال ندارد که بسازند. حالا البته دارند اعلان می‌کنند، اگر هم بسازند، بنده شخصاً ناراحت نمی‌شوم؛ چون می‌دانم که اینها ان‌شاءالله در دوران نه چندان دوری، به دست مجاهدان اسلامی خواهد افتاد.» خامنه‌ای در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۸ حاکمیت عربستان سعودی بر شهرهای مقدس را که پایه و اساس مشروعیت داخلی و منطقه‌ای خاندان حاکم است، رد کرد: «کعبه و حرمین شریفین متعلق به همه مسلمانان است، نه کسانی که بر آن سرزمین مسلط اند.»

سخنرانی امسال مشهد نیز نشانگر اطمینان خامنه‌ای از این بود که ایران را نمی‌توان با موفقیت مورد حمله نظامی قرار داد، چه توسط نیروهای منطقه‌ای و چه از خارج آن: «امروز همه قبول دارند که دشمن در حال جنگ اقتصادی با ما است؛ این را همه می‌دانند... به توفیق الهی دشمن را شکست خواهیم داد؛ بله، دشمن را شکست خواهیم داد، اما این کافی نیست... ما باید به نقطه‌ای برسیم خودمان را که

بازدارنده باشد ... یعنی دشمن احساس کند که از رخنه اقتصادی، از معبر مسائلی اقتصادی نمی‌تواند به کشور عزیز ما ضربه وارد کند و به ملت فشار آورد... یک روزی بود که ما می‌نشستیم و هواپیمای دشمن می‌آمد در ارتفاع بالا و شهرهای ما را بمباران می‌کرد، ما هم وسیله دفاعی در این حد نداشتیم، یا [وقتی] موشک می‌فرستاد وسیله‌ای نداشتیم برای مقابله ... امروز دشمنان ما حداقل در منطقه -آنهایی که در منطقه هستند یا در منطقه نیرو دارند- می‌دانند که جمهوری اسلامی با موشک‌های نقطه‌زن و فعال و دقیق خود در این منطقه با هر دشمنی می‌تواند مقابله کند و مواجهه کند و او را بکوبد ... دشمنانی که گاهی هوس تهاجم نظامی به سرشان می‌زند، ملاحظه کنند؛ بفهمند که نه، این جوری نیست، جمهوری اسلامی مشت محکم و دست قوی‌ای دارد در مقابل.»

اخیرا سعدالله زارعی، عضو تیم تحریریه روزنامه کیهان، که به میزان زیادی بلندگوی خامنه‌ای محسوب می‌شود، در مصاحبه‌ای در ۱۷ سپتامبر تهدید نظامی آشکار و هشداردهنده‌ای علیه ریاض مطرح کرد. وی پس از انکار احتمال جنگ تمام‌عیار با ایالات متحده هشدار داد که اهداف ایران در هر درگیری منطقه‌ای جداگتری خواهد بود: «اگر ایران به عربستان حمله کند تمام بنادر، چاه‌های نفت و منابع انرژی این کشور را هدف قرار می‌دهد. موضوعیت آن هم ساقط کردن رژیم سعودی است و نه توقف بخشی از صادرات نفت ریاض.»

تخریب شناس انتخاب دوباره ترامپ

به نظر می‌رسد ایران تمام تلاش خود را می‌کند تا اولین دوره رئیس‌جمهور ترامپ، آخرین دوره ریاست‌جمهوری وی باشد. اگر خامنه‌ای به این نتیجه برسد که دولت آمریکا نمی‌تواند در طول سال منتهی به انتخابات وارد جنگ شود، ممکن است برای از میان بردن اعتبار رئیس‌جمهور و شعارهای انتخاباتی او آشکارتر دست به اقدام بزند تا او را بازنده سیاست خارجی در برابر ایران، حوزه انرژی و مسائل خاورمیانه نشان دهد. اقدامات ایران می‌تواند از توقیف نفتکش‌ها در خلیج فارس تا حمله به تاسیسات تولید نفت عربستان گسترش یابد و نیز سایر اقداماتی که باعث افزایش قیمت نفت باشد، تا جایی که مسئولیت سیاسی آن متوجه ترامپ شود.

درنهایت، به نظر می‌رسد تهران معتقد است که می‌تواند از راه تغییر «رژیم» ایالات متحده، اعتباری کسب کند و در عین حال دولت بعدی آمریکا را نیز متقاعد سازد که چاره‌ای جز عقب‌نشینی از تحریم‌ها ندارد. مطابق این استدلال، شکست ترامپ در سال ۲۰۲۰ شرایط را برای ایران در مذاکرات آینده مناسب‌تر می‌سازد. خامنه‌ای همچنین به نظر می‌رسد عزم خود را جزم کرده تا ترامپ را در چشم متحدان منطقه‌ای آمریکا بی‌اعتبار نماید و موقعیت آنها را در برخورد با ایران تضعیف کند.

مقامات دیگر ایرانی، ایده‌های مشابهی در باب چگونگی تغییر دادن موضع واشنگتن ابراز کرده‌اند. در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور حسن روحانی «مقاومت» را به عنوان تنها پاسخ عاقلانه به فشارهای خارجی مطرح کرد و سپس گفت که دولت ترامپ دوام چندانی نخواهد داشت: «تصور نکنید فردی که امروز به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا تمام قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته و به همه مسلمانان جهان ظلم می‌کند، موفق خواهد بود بلکه او پاسخ رفتار ظالمانه خود را حتما خواهد دید.» در اوایل ماه جاری هم، امیر موسوی، مدیر مرکز تحقیقات استراتژیک که موسسه‌ای تندرو و نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، اظهار داشت: «پرونده ایران می‌تواند منجر به شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ شود.»

نتیجه‌گیری

هرچند اصلا روشن نیست که ایران واقعا بتواند بر افکار عمومی یا ترجیحات انتخاباتی در ایالات متحده تاثیر بگذارد، رژیم بدون شک خوشحال خواهد بود که بقیه جهان صرفا بر این باور باشند که دارای چنین قابلیت‌هایی هست. برای یک رژیم بنیادگرا مانند جمهوری اسلامی، نمود قدرت اغلب به اندازه قدرت واقعی مهم است.

در این میانه، ایران به فعالیت خود در آن [منطقه خاکستری](#) که در فرمول معروف خامنه‌ای اشاره شده، یعنی نه «جنگ» با ایالات متحده و نه هیچ‌گونه مذاکره‌ای، ادامه می‌دهد. این راهبرد اقدامات رژیم را در سراسر منطقه هدایت می‌کند و دست آن را برای انجام مانورهای بی‌ثبات‌کننده جسورانه علیه سایر کشورها باز می‌گذارد. با این حال، تهدیدهای اخیر این کشور علیه پادشاهی سعودی و حمله به اهداف نفتی، از مرزهای متصور قبلی عبور کرده و در صورتی که مهار نشود، می‌تواند حتی فراتر از این هم برود.

بنابراین، ایالات متحده باید با دقت از رویارویی نظامی با ایران پرهیز کند، و همزمان در را برای مذاکرات مستقیم باز نگه دارد و کارهای بیشتری برای روشن کردن آنچه از جمهوری اسلامی می‌خواهد انجام دهد. به علاوه، آمریکا باید راه‌های معتبر و پایداری را برای تقویت بازدارندگی بیابد و افزایش اخیر تهاجمات ایران را معکوس کند. در کنار آن، مقامات ایالات متحده باید انتظار داشته باشند که رژیم در چگونگی پیشبرد دستورکار ضدترامپ خود خلاق‌تر شود. رژیم با چشیدن مزه موفقیت در این جبهه، مطمئنا کارهای بیشتری انجام خواهد داد. ادامه انفعال گزینه مورد قبولی نیست، زیرا این امر تنها جاه‌طلبی‌های ایران را تغذیه خواهد کرد. برای اثبات موضوع، فقط کافی است حملات به آرامکوی سعودی را ملاحظه کنیم که وقتی صورت گرفت که رژیم به دلیل بی‌پاسخ ماندن حملات‌اش به کشتیرانی در خلیج فارس و یک پهپاد آمریکایی جسارت پیدا کرده بود.

* مهدی خلجی هموند خانواده لیبسکی در انستیتو واشنگتن است.